

کمک و یاری رسانی به دیگری (مبانی اخلاقی و حقوقی، مسئولیت افراد، چالش های موجود)

دکتر سعید منصوری^۱، محسن افچنگی
آموزشی

«نخواهد که بیند خردمند ریش نه بر عضو مردم نه بر عضو خویش»
«شیخ مصلح الدین محمد سعدی شیرازی»

«دو چیز روح را به شگفتی و ستایش وا می دارد و هر چه بیندیشی آن شگفتی و ستایش
نیز فزونی می یابد: آسمان پر ستاره ای که بر بالای سر ما جای گرفته است و قانون اخلاقی
که در دل ما نهاده شده است.»
«ایمانوئل کانت»

چکیده

بنای «یاری رسانی به دیگری» نیاز به زیربنا و مبانی محکمی دارد تا بتواند پایدار، استوار و پابرجا بماند و برخورداری از پشتوانه قانونی منجر به تعمیق و گسترش فرهنگ یاری رسانی و همچنین تضمین هر چه بهتر اجرای آن در سطح جامعه خواهد گردید. پرسش های مطرح در این زمینه از این قرارند که آیا چنین مبانی وجود دارد و اگر چنین است آن مبانی کدامند؟ موضوع کمک به دیگری از چه منابع قانونی برخوردار است؟ و در نهایت آنکه، در صورت خودداری افراد از کمک به دیگری چه مسئولیتی متوجه ایشان خواهد گردید؟ قسمت اول این نوشتار در پی آن است تا به جستجوی این مبانی و بنیان ها پرداخته و در این اثناء نشان دهد که کمک کردن و دستگیری از دیگران خصوصاً در مواقعی که خطر جانی آنها را تهدید می کند از چه اهمیت اخلاقی و عقلانی بالایی برخوردار است. چنانکه این امر بارها توسط انبیاء الهی و مصلحان مورد تاکید قرار گرفته و از دیرباز تا کنون در کانون بحث و بررسی اندیشمندان و فیلسوفان از نطله های فکری گوناگون بوده و شایسته است که سرلوحه کار انسانها قرار گیرد. انسانهایی که به قول شیخ اجل سعدی «اعضای یک پیکرند» و در خلقت «از یک گوهرند» و چه نیکوست که «چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار». در قسمت دوم به جستجوی منابع قانونی این موضوع در نظام حقوقی ایران پرداخته خواهد شد. در قسمت سوم اشاره مختصری به مسئولیت ناشی از خودداری افراد از کمک به دیگری و در دو قسمت پایانی ضمن ذکر نکاتی در خصوص ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و

^۱. استادیار دانشگاه و رئیس دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه.

رفع مخاطرات جانی، به عنوان مهمترین متن قانونی در این خصوص، به برخی از چالش های موجود در این زمینه اشاره خواهد شد.

کلید واژگان: امداد و یاری رسانی، کمک به دیگری، مبانی اخلاقی، مبانی حقوقی، منابع قانونی، نظام حقوقی ایران

مقدمه

سوانح، بلایا و اتفاقات طبیعی و همچنین مصنوعی یا ساخته دست بشر، هزینه های گزافی را به جوامع مختلف وارد می کند. ضرر و زیان های جانی، مالی و جز آن، ناشی از این سوانح طبیعی و مصنوعی بر کسی پوشیده نیست و البته انسان نیز در طول تاریخ همواره در تلاش بوده است تا خود را در مقابل این سوانح و حوادث مجهز سازد، بلکه بتواند تا آنجا که ممکن است از آثار و پیامدهای تخریبی آنها بکاهد.

در ایران نیز هر ساله علاوه بر سوانح بزرگ و ویرانگر نظیر سیل، زلزله و طوفان که در زمره سوانح طبیعی قلمداد می شوند، تصادفات جاده ای و سوانح شهری و روستایی بسیاری رخ می دهد، که از این جهت کشور ایران در زمره ۶ کشور حادثه خیز جهان قرار گرفته است.

از این منظر، موضوع کمک رسانی و امدادرسانی بسیار حائز اهمیت بوده و الزامی می نماید. یکی از راه های ایجاد آمادگی در مقابل سوانح، تربیت افراد امدادگر و همچنین آموزش همگانی مبانی امدادی است. این امر در ایران بر عهده «جمعیت هلال احمر»، که «موسسه ای خیریه، غیر انتفاعی و دارای شخصیت

حقوقی مستقل»^۲ بوده و وظایفی^۳ را در این خصوص برعهده دارد، قرار گرفته است.^۴

^۲ طبق ماده ۱ اساسنامه جمعیت هلال احمر: «جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران (جمعیت سابق شیر و خورشید سرخ ایران) که در این اساسنامه جمعیت نامیده می شود، مؤسسه خیریه، غیرانتفاعی و دارای شخصیت حقوقی مستقل می باشد. جمعیت، به کلیه تعهدات و قراردادهای بین المللی مربوط به اهداف و وظایف جمعیت های صلیب سرخ و هلال احمر و نیز مقررات اتحادیه های صلیب سرخ و هلال احمر پایبند بوده و در مسائل امدادی و بهداشتی درمانی برون مرزی و درون مرزی و تعهدات مربوطه در راستای سیاست های دولت جمهوری اسلامی ایران طبق اساسنامه عمل می کند.»

^۳ مطابق ماده ۳ اساسنامه، وظایف جمعیت هلال احمر در سطح کشور و خارج از کشور، که غالباً حول محور کمک رسانی و امداد است به شرح ذیل می باشد:

- ۱- ارائه خدمات امدادی در هنگام بروز حوادث و سوانح طبیعی مثل زلزله و سیل و غیره در داخل و خارج از کشور.
- ۲- ارائه کمکهای اولیه در حوادث غیر مترقبه بوسیله امدادگران.
- ۳- برنامه ریزی و اقدام در جهت آمادگی مقابله با حوادث و سوانح و آموزش عمومی در این زمینه و تربیت کادر امدادی و نیروی انسانی مورد نیاز.
- ۴- ارسال کمک و اعزام عوامل امدادی و درمانی به سایر کشورها در صورت لزوم.
- ۵- کمک به امر توانبخشی و ارائه خدمات اجتماعی در جهت تسکین آلام آوارگان، پناهندگان، مرضی و معلولین و ایجاد حس تعاون و تفاهم و دوستی و نیکوکاری بین مردم.
- ۶- تلاش در جهت تسکین آلام بشری و کمک به امر سلامت جامعه و دفاع از ارزشهای انسانی و کوشش در جهت برقراری دوستی و تفاهم متقابل و صلح پایدار میان ملتها.

لذا برای ارتقاء سطح آمادگی لازم است تا فرهنگ امداد رسانی تقویت گردیده و در این راستا چنانچه موانعی بر سر راه امداد رسانی وجود دارد و موجب تضعیف

۷- اداره امور جوانان جمعیت و توسعه مشارکت جوانان در تصمیم‌گیریها و فعالیتهای مربوط به آنها و تربیت و آموزش جوانان مذکور به منظور آماده ساختن آنان در انجام خدمات امدادی و عام‌المنفعه.

۸- کمک به تهیه دارو و وسایل و تجهیزات پزشکی مورد نیاز مراکز بهداشتی، درمانی و آموزشی کشور با موافقت وزارت بهداشت و با همکاری هلال احمر و صلیب سرخ جهانی که عضو اتحادیه بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر جهانی هستند.

تبصره ۱. کمک‌های ارسالی جمعیت به سایر کشورها به صورت جنسی و یا نقدی و یا خدمات انسانی خواهد بود.

تبصره ۲. هزینه آن قسمت از خدمات و کمک‌های اولیه امدادی و یا سایر خدماتی که از طرف دولت در سطح کشور و کمک امدادی و درمانی و بهداشتی خارج از کشور به عهده جمعیت محول می‌شود، توسط دولت به جمعیت پرداخت می‌گردد تا طبق مقررات و ضوابط خاص جمعیت به مصرف رسانیده شود.

تبصره ۳- جمعیت مکلف است حتی الامکان نسبت به کمکهای نقدی و جنسی که به آسیب دیدگان و نیازمندان خصوصاً در خارج از کشور انجام می‌دهد دقت و نظارت کامل اعمال کند تا این کمکها به افرادی که استحقاق آن را دارند برسد. »

۴. البته، علاوه بر جمعیت هلال احمر ممکن است برخی نهادهای دولتی از جمله شهرداری ها و همچنین بعضی از نهادهای غیردولتی فعالیت هایی در این زمینه داشته باشند، اما در مقایسه با جمعیت هلال احمر، که نهاد تخصصی مسئول این امر مهم است، از وسعت کاری چندانی در این زمینه برخوردار نیستند. بر همه اینها باید دانشگاه ها را نیز افزود که در زمینه انجام تحقیقات و پژوهش های نظری و کاربردی نقش بسزایی دارند.

حضور و عملکرد ایشان می شود، حذف گردد. خصوصاً آنکه امدادگران بنا بر نص صریح اساسنامه جمعیت هلال احمر^۵، نیروهای افتخاری و داوطلبی هستند که داوطلبانه و به اختیار خود اقدام به انجام خدمات امدادی می کنند. هرچند این خدمات عموماً تحت لوای جمعیت هلال احمر صورت می گیرد، لیکن، در مواقعی نیز ممکن است اشخاص برحسب ضرورت شخصاً به امر امداد رسانی مبادرت ورزند، از سویی این افراد معمولاً تحت پوشش بیمه مسئولیت حرفه ای نبوده و کارمند رسمی هلال احمر نمی باشند. در این مقاله سعی خواهد شد تا جهت روشن تر شدن زوایای گوناگون بحث «امداد رسانی یا کمک به دیگری»، علاوه بر مبانی اخلاقی کمک به دیگری، مبانی حقوقی و قانونی آن در حقوق ایران و مسئولیت ناشی از ترک کمک به دیگری مورد بررسی قرار گیرد.

۱. مبانی و بنیان ها

همانطور که تحقیقات باستان شناسی و تاریخی به ما نشان می دهد، انسانها از گذشته های دور به صورت جمعی زیسته اند. حتی افرادی که زندگی فردی را تجربه نموده اند باز گرایشی به جمع در میان آنها مشهود بوده است. با این حال، زندگی جمعی معیارها و اصول خاص خود را دارد، که به قوام و سازمان یافته تر شدن جامعه

۵. ماده ۲۲ اساسنامه جمعیت هلال احمر بیان می دارد که: « خدمت در جمعیت افتخاری است مگر در مورد پست هایی که بنا به دلایل اداری و تشکیلاتی و یا به موجب قوانین مقررات کادر ثابت و حقوق بگیر داشته باشد. »

و اجتماع کمک شایانی خواهد کرد. از همین رو، هر فردی که وارد آن می شود می بایستی آن اصول، قواعد و معیارها را رعایت نماید.

حال، ممکن است این اصول، معیارها و قواعد، اخلاقی باشند و یا از مبنای قانونی و حقوقی برخوردار باشند، در هر صورت، تخطی از این معیارهای حقوقی و اخلاقی واکنش هایی را از سوی جامعه در پی خواهد داشت، که این واکنش ها از طریق مکانیسم های تعبیه شده در این خصوص به اجرا در خواهند آمد.

افراد با ورود به جامعه، بخشی از آزادی های خود را محدود نموده، اختیاراتی را به دولتها تفویض و وظایفی را بر عهده آنان می گذارند تا مطابق با توافق ها، ساز و کارها و مکانیسم هایی که معمولاً در قوانین پیش بینی می گردد، حقوق آنها را تضمین نموده و به نیابت از آنها، در سطح داخلی و بین المللی عمل کند.^۶

بدین ترتیب، قوانینی که در یک اجتماع وضع گردیده و به تصویب می رسند، زاییده نیاز بشر هستند و البته واضح است که، این نیاز در طول تاریخ و بر حسب زمانها، مکانها و حوادث و اتفاقات مختلف، دچار تحول و دگرگونی های بسیاری می گردند. یک حادثه و اتفاق غیر مترقبه ممکن است منجر

^۶ اصل این سخن به اندیشه «قرارد اجتماعی» برمی گردد که توسط اندیشمندانی همچون ژان ژاک روسو، هابز و دیگران که به «اصحاب قرارداد» یا «قراردگرایان» مشهورند، ارائه گردیده است. ژان ژاک روسو در کتاب «قرارد اجتماعی» و هابز در کتاب «لویاتان» به این موضوع پرداخته اند. هر دو کتاب مزبور اکنون به فارسی ترجمه شده است.

به وضع قانونی گردد که تا پیش از آن نه تنها سابقه ای در آن سرزمین خاص نداشته است بلکه همچنین ممکن است نظیر آن در هیچ سرزمینی مشاهده نشده باشد. علاوه بر این، بعضی از قوانین و مقرراتی که وضع می گردند، ممکن است به ضرر یک فرد یا گروه خاص در جامعه باشد، اما غالباً به دلیل آنکه تامین کننده منافع اکثریت اعضای جامعه بوده و در نتیجه مورد رضایت آنهاست، مورد پذیرش سایرین نیز واقع می گردد.^۷

بحث کمک به هم نوع، یا به اصطلاح، کمک به دیگری، در حوادث و سوانح، تقریباً در تمامی جوامع پذیرفته شده و معمولاً از موضوعات ارزشی هر جامعه محسوب می گردد.

دلایل مورد قبول قرار گرفتن و پسندیده بودن امداد رسانی و کمک به دیگری فراوان بوده و از مبانی گوناگونی تغذیه می شوند. به طور کلی این مبانی را می توان به شرح ذیل برشمرد:

۱.۱. حکم وجدان افراد

در پاسخ به این پرسش که وجدان چیست؟ تعاریف و معانی بسیاری ارائه گردیده

^۷ درباره اینکه آیا قانونی که مورد رضایت اکثریت جامعه است باید از طرف اقلیت نیز مورد پذیرش واقع گردد و موارد دیگر از این قبیل، بحث های زیادی در فلسفه حقوق صورت گرفته است. ← برای نمونه بنگرید به: راسخ، محمد، *حق و مصلحت، مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش*، (تهران، طرح نو، ۱۳۸۷) خصوصاً دو مقاله «نافرمانی مدنی» و «جدی گرفتن حق ها» از رونالد دورکین.

است^۸، در این میان "دانشنامه بریتانیکا" ذیل واژه «conscience» به معنای وجدان، ضمن ارائه سه تعریف، آنها را با ذکر مثالهایی تبیین نموده است:

۱. قسمتی از ذهن که به شما می گوید که اعمال شما درستند یا خطا. مثال: داشتن یک وجدان پاک و مبری یا گناهکار (احساس اینکه شما درست انجام داده اید یا اشتباه)؛
۲. احساس گناه درباره چیزی که شما انجام داده اید یا در انجام آن شکست خورده اید. مثال: او با حمله ناگهانی وجدان متوقف شد؛
۳. حقیقت رفتار کردن به طریقی که احساس می کنید درست است، هر چند، ممکن است موجب مسائل و مشکلاتی گردد. مثال:

^۸ از جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد: "علی اکبر دهخدا" در لغت نامه خود در ذیل کلمه وجدان معانی مختلفی را ذکر کرده است: «۱. وجود، گمشته را یافتن، یافتن، مستغنی شدن، توانگر شدن، توانگری ۲. نفس و قوای باطنه ۳. دریافت، یافت ۴. وجدان نزد صوفیه مصادف حق است. (وجد) آنچه بر قلب بدون تصنع و تکلف وارد شود وجد نامیده می شود و گویند وجد برقهایی است که می درخشد و سپس به زودی خاموش می گردد.» دهخدا پس از ذکر این چهار معنی سخنی از عارف بزرگ محمد بن محمود آملی می آورد که: «وجد واردی است که از حق سبحانه و تعالی بر دل آید و باطن را از هیبت خود بگرداند به واسطه احداث وصفی همچون حزن یا فرح.» ← دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، نسخه کامپیوتری، موسسه دهخدا.

همچنین "حبیب الله آموزگار" در ذیل واژگان وجدان، وجداناً و وجدانی می آورد: «۱. وجدان: نفس باطنی، یکی از نیر وهای نفس آدمی، قوه پنهانی، ضمیر، ۲. وجداناً: از روی وجدان، به حکم ضمیر، به حکم وجدان، ۳. وجدانی: امر قلبی و باطنی، مربوط به قوه وجدان.» ← آموزگار، حبیب الله، *فرهنگ آموزگار*، (تهران: کانون معرفت، ۱۳۳۳).

آزادی وجدان: آزادی انجام چیزی که شما معتقدید درست است.

همچنین، ذیل «social conscience» یعنی «وجدان اجتماعی» آمده است: حالتی از آگاهی و هوشیاری درباره مسائل و مشکلاتی که عده زیادی از مردم را در جامعه از قبیل فقیر بودن و بی خانمان بودن، تحت تاثیر قرار می دهد و میل به انجام کاری برای این افراد.^۹

علاوه بر وجدان اجتماعی که در دانشنامه بریتانیکا از آن سخن رفته است، برخی نویسندگان از «وجدان اخلاقی»^{۱۰} و انواع آن یعنی «وجدان قلبی یا مقدم» و «وجدان بعدی یا موخر» نیز سخن به میان آورده اند. از نظر اینان «وجدان اخلاقی، دادگاه و قضاوتی است که در مورد اعمال انسانی صورت می پذیرد. برخی همین وجدان اخلاقی و قضاوت های آن را معیار تشخیص خوب و بد دانسته اند. این قاضی گاه در کارهای شخص انسان و گاه در مورد افعال دیگران به قضاوت و سنجش می نشیند و در هر دو حال، وظیفه وی تشخیص نیک و بد اعمال است. این قضاوت چون بر اعمال مقدم است، تنها به تشخیص نیک و بد قناعت نمی کند، بلکه انسان را به انجام دادن نیکی ها فرمان می دهد و از ارتکاب بدی ها نهی می کند. این وجدان را «وجدان قلبی یا مقدم» می نامند، اما پس از انجام کارها نیز وجدان قضاوت می کند و نیک و بد کار انجام شده را می سنجد. این

^۹ Encyclopedia of Britannica, v. 2008.
^{۱۰} Ethical conscience.

وجدان را «وجدان بعدی یا موخر» نام نهاده اند.^{۱۱}

"محمد تقی فلسفی" از دیدگاهی مذهبی به وجدان نگریسته و از وجدان به «نیروی» تعبیر می کند که از جانب خداوند در نهاد هر انسانی تعبیه شده است. این نیرو «بدون مربی و معلم امهات فضائل و رذائل اخلاقی را می شناسد» و «خوی نیک و بد را تشخیص می دهد» و «به طور طبیعی با سرشت تمام افراد بشر آمیخته شده است». وی در ادامه به آیات ۷ و ۸ سوره شمس در قرآن کریم اشاره کرده و بیان می کند که خداوند از این نیرو به «الهام الهی»^{۱۱} یاد می کند: و نفس و ما سویها فا لهما فجورها و تقویها: قسم به جان بشر و آن خدایی که او را موزون و متناسب آفریده و نیک و بدش را به وی الهام کرده است.^{۱۲}

"جان دیویی" فیلسوف مشهور، در کتاب "اخلاق و شخصیت" خود می نویسد: «اخلاقیون کلاسیک، وجدان را همواره واحد مستقل تلقی کرده اند و در کلیه مکتب های دیگر اخلاقی نیز تقریباً همین نظر حکمفرماست و وجود مستقلی برای وجدان قائل گردیده و تاکید کرده اند که وجدان یک نور ذاتی است که بر حقایق اخلاقی پرتو افکنده و آنها را به صورت حقیقی خود در مقابل دیدگان آدمی مجسم می کند. این عده درباره هدف های فعالیت وجدان، اختلاف

^{۱۱} Divine inspiration .

^{۱۲} . فلسفی، محمد تقی، *جوان از نظر عقل و احساسات*، (تهران: هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۸)، ص ۲۴۰.

نظر دارند. عده ای معتقدند که هم وجدان به تعیین اصول کلی اخلاقی مصروف می گردد. عده ای بر آنند که وجدان اقدامات فوری را تحت کنترل قرار می دهد. دسته ای وظیفه وجدان را بر تعیین ارزش هدف های آدمی می دانند. بعضی وظیفه شناسی را به منزله دایره فعالیت وجدان تلقی می کنند و بالاخره عده ای هم علم به حقایق اخلاقی را ناشی از الهام وجدان تلقی می کنند. اما در میان این اقوال یک نقطه سازش و هم آهنگی کامل وجود دارد که پیروان همه این مکاتب برآنند که باید یک نیروی غیر طبیعی و جداگانه ای برای علم اخلاق وجود داشته باشد و فعالیت ها دارای معنی اخلاقی نیستند مگر آنکه تحت نظر وجدان مستقل و جداگانه ای قرار گیرند.^{۱۳}

بنابراین، می توان گفت که:

وجدان نیروی درونی انسان است که وی را نسبت به درستی یا نادرستی اعمال خویش هوشیار و آگاه ساخته، درصدد است تا وی را از انجام کارهای نادرست بازدارد و قضاوت نهایی گفتار و کردار انسان را برعهده می گیرد.

برآیند تعاریف بالا آن است که وجدان «نیروی هشدار دهنده» است که بر درون انسان حاکم بوده و اعمال بیرونی وی را تحت نظارت و کنترل خویش دارد. البته، انسانها همیشه از دستورات وجدان خویش پیروی نکرده و به آنچه وجدانشان می گوید

^{۱۳} . به نقل از فلسفی، همان، ص ۲۴۲.

عمل نمی کنند که اگر جز این بود جهانی که در آن زندگی می کنیم اینچنین آشفته نبود. در خصوص بحث پیش رو، گفتنی است که، افراد همواره تمایل داشته اند تا در زمان حوادث، سوانح و بلایای طبیعی و جز آن، تا حد امکان به دیگران کمک نمایند. ناگفته پیداست، نیرویی که انسان را وادار کرده و تشویق می کند تا به انجام عمل مزبور، یعنی کمک به انسان های در معرض حادثه و نیازمند به کمک، مبادرت ورزد، وجدان است.

زمانیکه، فرد با کمک خود، دیگری را از حوادثی همچون سیل، زلزله، طوفان و مواردی از این قبیل که در برخی موارد ممکن است منجر به مرگ وی گردد، نجات می دهد، یا، موجبات نجات وی را فراهم می سازد، شیرینی کار خود را به خوبی احساس می کند. اهمیت این مسأله زمانی بیشتر می شود که توجه داشته باشیم وقتی که فردی تصمیم به نجات دیگری می گیرد، هر لحظه این امکان وجود دارد که جان خود را نیز از دست بدهد. با اینحال بسیار دیده و شنیده ایم که کسانی، با آگاهی از این امر، اقدام به کمک و یاری رسانی به دیگران در زمان حادثه نموده اند و خطری که ایشان را تهدید می کند مانع از انجام آن کردار شایسته توسط ایشان نگردیده است.

۱.۲. آموزه های دینی

همه ادیان آسمانی اصولی را در خصوص کمک به هم نوع دارند که پیروان آن مذهب را بر آن می دارد تا این عمل را پسندیده

بدانند و تا حد امکان جهت انجام آن تلاش ورزند.

دین اسلام، به عنوان یک دین اجتماعی، تاکید بسیاری بر حفظ و تقویت بنیان های جامعه دارد و اهمیت این امر از تعداد بسیار زیاد آیه های قرآن کریم و روایات گوناگون در خصوص همکاری، مساعدت و همیاری میان انسان ها هویدا است.

«اهمیت حفظ اجتماع و یاری رساندن انسان ها به یکدیگر، به روشنی در اسلام شناسایی شده و مورد تاکید قرار گرفته است ... و صراحتاً برای کسانی که به این وظیفه اخلاقی و مذهبی خود جامعه عمل می پوشانند، وعده پاداش اخروی داده شده و در مواردی برای کسانی که بدان عمل نمی کنند، عقاب شدید اخروی در نظر گرفته شده است.»^{۱۴}

همانطور که ذکر گردید، در جای جای قرآن کریم اهمیت و ارزش کمک به دیگری و خصوصاً نجات جان دیگری، که در زمره اعمال و رفتار نیکو نسبت به دیگران محسوب می گردد، مورد تاکید قرار گرفته است که می توان به مواردی از جمله:

^{۱۴}. غفاری فارسانی، همان، ص ۱۰۰.

نحل/۱۵۹۰، سبأ/۱۶۱۱، حج/۱۷۷۷،
مائده/۱۸۲ و لقمان/۱۹۲۲ اشاره کرد.

علاوه بر موارد ذکر شده، یکی از آیه های «بسیار مهم» دیگر قرآن در همین خصوص، آیه ۳۲ سوره مائده است، که بیان می دارد:

«بدین سبب، به بنی اسرائیل اعلام کردیم که هر کس نفسی (انسانی) را بکشد، بدون اینکه او کسی را کشته باشد و یا فسادى در زمین کرده باشد، گویی همه انسان ها را کشته است و هر کس که انسانی را زنده کند [از مرگ برهاند]، گویی همه انسان ها را حیات بخشیده است.»

تاکیدی اینگونه بر رهانیدن یک فرد از مرگ و نجات جان وی و مهمتر از آن برابر دانستن آن با نجات جان همه انسانها:

نخست، نشان از کرامت والای بشر در میان مخلوقات دیگر دارد و این مهم در آیات دیگر قرآن کریم نیز ذکر گردیده است، که

از جمله می توان به آیه ۷۰ سوره اسراء اشاره کرد، در این آیه می خوانیم:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا: و به راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم (به فرزندان آدم کرامت بخشیدیم)، و آنان را در خشکی و دریا بر (مرکب مراد) روانه داشتیم و به ایشان از پاکیزه ها روزی دادیم، و آنان را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری بخشیدیم».^{۲۰}

مولوی با اشاره به همین موضوع در مثنوی چنین می سرايد:

جوهر است انسان و چرخ او را عَرَضُ/

جمله فرع و سایه اند و تو غَرَضُ

تاج «كَرَّمْنَا» ست بر فرق سرت/

طوق «أَعْطَيْنَاكَ» آویزه بَرَتِ

ای غلامت عقل و تدبیرات و هوش/ چون

چنینی خویش را ارزان فروش؟

^{۲۰}. «مفسران و متکلمان در این باره بحث کرده اند که آیا انسان مطلقاً اشرف خلق الله است، یا در آفرینش از او شریف تر هم هست. بعضی نظر به اینکه خداوند پس از آفرینش آدم یا نوع انسان، فرشتگان را امر به سجده بر او یا آنان کرده است، انسان را اشرف از فرشتگان می دانند. بعضی با توجه به ذیل آیه که می فرماید: «و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» (و آن را بر بسیاری از آنان که آفریده ایم، برتری بخشیده ایم) استدلال می کنند که پس از انسانها و حتی پیغامبران شریف تر هم هست. و چه بسا فرشتگان از انبیا هم برتر باشند. بعضی با استناد به بعضی آیات قرآن و شعر عربی استدلال می کنند که «کثیر» یعنی جمیع و همه. یعنی بر همه آفریدگان برتری داده ایم، نه بیشترینه آنها.» ← **قرآن کریم**، بهاءالدین خرمشاهی (مترجم)، (تهران، دوستان، ۱۳۸۴)، ص ۲۸۹.

^{۱۵}. «ان الله يامر بالعدل والاحسان ... : همانا خداوند (خلق را)

به عدل و احسان و بخشش امر می کند ...».

^{۱۶}. «... و اعملوا صالحاً آتی بما تعملون بصیر: و نیکوکاری کنید

که من به آنچه می کنید بینایم.»

^{۱۷}. «... و افعلوا الخير لعلکم تفلحون: و کار نیکو کنید، باشد که

رستگار شوید.»

^{۱۸}. «... و تعاونوا علی البر و التقوی...: و در نیکوکاری و تقوا به

یکدیگر کمک کنید...».

^{۱۹}. «و من یسلم وجهه الی الله و هو محسن فقد استمسک

بالعروة الوثقی و الی الله عاقبه الامور: هر کس روی (تسلیم و

رضای) خویش را به سوی خدا کند، و نیکوکار باشد، به

دستگیره محکمی چنگ زده است؛ و پایان همه کارها به سوی

خداست.»

خدمتت بر جمله هستی مُقترض/

جوهری چون عجز دارد با عرض؟!/

بحر علمی در نمی پنهان شده/ در سه

گزتن عالمی پنهان شده

دوم، حاکی از ارزش و اهمیت بسیار بالای

نوع و نفس کار انجام شده توسط انسانی را

دارد که بدین امر مبادرت می ورزد؛

سوم آنکه در این آیه نه سخن از نجات جان

«مومن» است و نه سخن از انجام این کار

توسط «مومن»، بلکه مخاطب پیام الهی در

این آیه تمامی انسان ها اعم از مومن و غیر

آن هستند. یکی از نویسندگان در تایید این

مدعا که اسلام در کمک به دیگران تفاوتی

بین انسان ها نمی گذارد می نویسد:

«ممکن است به ذهن آید که اسلام معیار

کمک و محبت را تنها هم مذهب بودن قرار

داده است، ولی این توهم با طرز تفکر

اسلامی سازگاری ندارد. اسلام احسان و

نیکوکاری را به عنوان یک اقدام شایسته

مقام انسانی در مورد کسانی که سرستیز با

مسلمانان ندارند، پیرو هر عقیده و آئینی که

باشند، تعمیم می دهد.»^{۲۱} وی در ادامه به

آیه ۸ سوره ممتحنه اشاره می کند که در

آن می خوانیم: «خداوند شمارا باز نمی دارد

از اینکه با آن کسانی که با شما در دین

پیکار نکرده و نیز شما را از دیارتان آواره

نکرده اند نیک رفتاری و دادگری کنید؛ چه

آنکه خداوند دادگران را دوست دارد.»

از همین جا می توان به اساسنامه جمعیت

هلال احمر گریز زد و پیوندی میان آن و

این آیه برقرار نمود که نکات بالا، خصوصاً

نکته سوم در جای جای آن به خوبی

مشهود بوده و می توان آن را در راستای

دست یابی به هدف ضمنی این آیه کریمه

ارزیابی کرد. در ذیل به ذکر قسمت هایی از

اساسنامه می پردازیم:

الف) ماده ۲ اساسنامه اهداف جمعیت را به

شرح ذیل برمی شمرد: «تلاش برای تسکین

آلام بشری، تأمین احترام انسانها و کوشش

در جهت برقراری دوستی و تفاهم متقابل و

صلح پایدار میان ملتها و همچنین حمایت از

زندگی و سلامت انسانها بدون درنظر

گرفتن هیچگونه تبعیض میان آنها.»

ب) علاوه بر این، ماده ۳ اساسنامه نیز

وظایفی را برای جمعیت «در سطح کشور و

خارج کشور»^{۲۲} بر می شمارد که خود نشان

از محدود به مکان و افراد خاص نبودن

اهداف و وظایف جمعیت دارد.

پ) همچنین در ماده ۴ آمده است که: «در

زمان جنگ و در تصادمات و برخوردهای

مسلحانه، جمعیت و عوامل امدادی آن طبق

مقررات ملی و بین المللی و مصون از هر

گونه ممانعت و یا تعرض دستجات

متخاصم، بی طرفانه به کمک مجروحین و

آسیب دیدگان و پناهندگان و آوارگان و

اسراء و جستجوی مفقودالاثرها شتافته و

به طرفین درگیر به نحو یکسان و بدون

هیچگونه تبعیضی کمکهای انسانی خود را

عرضه می نماید و طرفین متخاصم مکلف به

^{۲۱}. قربان نیا، ناصر، اخلاق و حقوق بین الملل، (تهران: سمت،

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸)، ص ۲۰۸.

^{۲۲}. برای ملاحظه ماده ۳ اساسنامه نک: پاورقی شماره ۳.

احترام و همکاری با جمعیت و عوامل آن می‌باشند.»

علاوه بر قرآن کریم به عنوان یکی از مهم ترین متون اسلامی، همانطور که در بالا ذکر گردید، روایات فراوانی در این زمینه نقل گردیده است، که از آن جمله می‌توان به روایات مشهور پیامبر اکرم (ص) اشاره کرد. به طور کلی این روایات به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند، در دسته اول روی سخن پیامبر (ص) با مومنان و نتیجه آن متوجه افرادی است که در یک جامعه ایمانی و دینی زندگی می‌کنند و در دسته دیگر، هر چند روی سخن با جامعه ایمانی است اما نتیجه و پیام روایت فراتر از مومنان بوده و همانند آیه ای که به آن اشاره شد، غیر مومنان را نیز در بر می‌گیرد. در ذیل به چند مورد از هر کدام، به عنوان نمونه، اشاره می‌گردد:

دسته اول

۱. اگر فردی فریاد کمک خواهی مسلمانان را بشنود و به او کمک نکند مسلمان نیست؛
۲. هر کس که نیاز مومنی را برآورد، خداوند نیازهای بسیاری از او را برآورده خواهد ساخت؛
۳. مومنان برادرند، اگر بعضی از آنان حوائج بعضی دیگر را برآورده سازند من [هم]، حوائج آنها را روز قیامت برآورده خواهم ساخت؛^{۲۳}

دسته دوم

^{۲۳}. حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، به نقل از: غفاری فارسانی، بهنام، همان، صص ۱۰۵، ۱۰۴.

۴. به همه کس نیکی کنید؛ زیرا اگر هم سزاوار نیکی نیست، تو سزاوار نیکی کردن هستی؛

۵. برترین درجه عقل بعد از ایمان به خدا محبت به مردم و نیکی کردن به هر انسانی است، نیکوکار باشد یا بدکار؛^{۲۴}

همانطور که ملاحظه شد، آموزه های دین اسلام انسان ها را تشویق به همیاری و کمک به دیگران کرده و حتی آنها را مکلف می کند تا در صورت نیاز یک فرد به کمک، کمک را از وی دریغ نداشته و به کمک وی بشتابند و در این خصوص انسان را مسئول دانسته و مسئولیت کمک به دیگری را بر دوش آنها می نهد. خلاصه کلام آنکه «در اسلام احترام به انسانیت، تکریم بشریت، دعوت به اخوت و برادری و نیکی به همدیگر همه انسانها را شامل می گردد و بنابراین ابراز عواطف و مراعات جنبه های عالی اخلاقی و انسانی به صورت ریشه دار و عمیق از ژرفنای جان و دل در اعمال و رفتار و روابط خارجی شخص تربیت یافته در این دین، به ظهور می رسد.»^{۲۵}

همین نکته، یعنی توصیه به کمک و همچنین تکلیف به کمک به دیگری، خصوصاً، هنگامیکه جان یک نفر در خطر باشد، در آموزه های ادیان دیگر از جمله دین یهودیت

^{۲۴}. حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه ←

به نقل از: قربان نیا، همان، ص ۲۰۸.

^{۲۵}. قربان نیا، ناصر، همان، ص ۲۰۷.

و مسیحیت نیز مورد تاکید قرار گرفته است.^{۲۶}

۱.۳. قاعده زرین «هر چه برای خود می پسندی برای دیگران هم بپسند و هر آنچه برای خود نمی پسندی برای دیگران هم مپسند»

قاعده مزبور را به عنوان یک اصل اخلاقی، وجدانی و خردمندانه می توان یک قاعده جهانشمول محسوب کرد، زیرا از یک سو در بسیاری از فرهنگ ها ریشه داشته و مورد تایید و پذیرش اندیشمندان قرار گرفته است و از دیگر سو با خرد و عقل آدمی نیز سازگار می نماید.

عین همین قاعده در مقام یک اصل اخلاقی و رفتاری، با تفصیل و توجه بیشتر به زوایای گوناگون آن، در وصیت و سفارش علی بن ابیطالب (ع) نیز که به فرزندش حسن بن علی (ع) در حال بازگشتن از صفین، در سرزمین حاضرین نوشته، دیده می شود. وی خطاب به فرزندش می گوید:

«پسرم! خود را میزان بین خود و دیگران قرار بده، بنابر این آنچه برای خود دوست داری برای دیگران هم دوست بدار، و هر چه برای خود نمی خواهی برای دیگران هم مخواه، به کسی ستم مکن چنانکه دوست داری به تو ستم نشود، و نیکی کن چنانکه علاقه داری به تو نیکی شود، آنچه را از غیر خود زشت می دانی از خود نیز زشت بدان، از مردم برای خود آن را راضی باش که خود برای آنان راضی هستی، هر آنچه را

^{۲۶}. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک به: غفاری فارسانی، بهنام، همان، صص ۸۵-۱۰۰.

نمی دانی مگو اگر چه دانسته هایت اندک است، و آنچه را دوست نداری درباره تو بگویند تو هم درباره دیگران مگو».^{۲۷}

همچنین، در روایتی از پیامبر گرامی اسلام نقل می شود که:

«کسی مومن نیست، مگر آن که برای دیگران آن پسندد که برای خود می پسندد».^{۲۸}

ژان پیکته، حقوق دان سوئیسی، یکی از افرادی که در تهیه و تنظیم کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷ مشارکت داشته است نیز در کتاب خود، «اصول حقوق بین الملل بشردوستانه»^{۲۹} / ۲۰ می گوید:

^{۲۷}. نهج البلاغه؛ خطبه ها، نامه ها، سخنان کوتاه، ترجمه حسین انصاریان، ج ۵، (قم، دارالتقلین، ۱۳۷۹)، ص ۶۳۰.

^{۲۸}. شبانی در کتاب سیر الکبیر، به نقل از: محقق داماد، مصطفی، حقوق بشر دوستانه بین المللی، رهیافت اسلامی، (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳)، ص ۱۵۴.

^{۲۹}. The Principles of International Humanitarian Law

^{۳۰}. «حقوق بین الملل بشردوستانه یکی از شاخه های اصلی حقوق بین الملل عمومی و مشتمل بر قواعدی است که هدف آن یکی حمایت از افرادی است که در زمان جنگ در محاصره شرکت نکرده یا آن را ترک کرده اند و دیگری محدود کردن روشها و وسایلی است که در جنگ به کار گرفته می شود» چهار کنوانسیون اشاره شده و پروتکل های الحاقی که مجموعاً دارای حدود ۶۰۰ ماده و حاوی قواعدی در خصوص بهبود وضعیت مجروحان جنگ ها زمینی، وضعیت مجروحان و بیماران و غرق شدگان جنگ های دریایی، نحوه رفتار با اسرای جنگی، حمایت از افراد غیر نظامی در اثنای جنگ، موازین تفکیک رزمنده از غیر رزمنده و ... در زمان مخاصمات مسلحانه بین المللی و درگیری ها و شورش های داخلی می باشند، منابع اصلی حقوق بین الملل بشردوستانه را تشکیل می دهند. نک: ← کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق بین الملل بشردوستانه؛ پاسخ به سوالات

خواستم تمام قواعد انسان دوستانه بین المللی را در قالب جمله ای جامع و فراگیر تبیین کنم. نهایت آنچه توانستم ارائه دهم این اصل است: با دیگران آن چنان رفتار کن که مایلی با تو آن چنان کنند.^{۳۱}

پیام اصلی این قاعده در رابطه با موضوع مورد بحث ما را می توان اینگونه تشریح کرد که اگر هر کدام از ما در موقعیتی قرار بگیریم که برای حفظ جان و جلوگیری از آسیب ها و صدمات وارده بر خویش نیاز به کمک دیگران داشته باشیم طبیعتاً انتظار داریم کسی که ما را در آن وضعیت مشاهده می کند رهایمان نکرده و به ما کمک کند. پس اگر ما چنین انتظاری را از دیگران داریم باید به یاد داشته باشیم که در چنین مواقعی دیگرانی که ما آنها را در آن وضعیت مشاهده می کنیم نیز همان انتظار مشابه را از ما خواهند داشت و شایسته است که آنچه را برای خود دوست می داریم برای دیگران نیز دوست بداریم.

بنابراین، همانطور که از سخن سعدی بر می آید، از هر انسان خردورز و عاقل و البته اخلاق گرا انتظار می رود همانطور که درد و رنج را برای خود نمی خواهد برای دیگران نیز روا ندارد و تلاش کند تا از درد و رنج وارده بر هموعان خویش کاسته و یا از آن پیشگیری نماید:

نخواهد که بیند خردمند ریش

نه بر عضو مردم نه بر عضو خویش

شما، ج ۴، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۷)، ص ۸. و محقق داماد، همان.

^{۳۱} به نقل از: محقق داماد، همان، ص ۱۵۴.

۲. منابع قانونی در نظام حقوقی ایران

موضوع کمک به دیگری، با توجه به ریشه دار بودن آن در فرهنگ ایرانی- اسلامی، موضوعی نیست که از چشم قانونگذار پنهان مانده باشد. این موضوع علاوه بر مطرح شدن در یک قانون خاص، که به طور اختصاصی به آن می پردازد، در برخی از قوانین دیگر نیز به نحوی منعکس شده است. از جمله متون قانونی که به این امر پرداخته است به شرح ذیل می باشد:

۲.۱. ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی (مصوب ۵ خرداد ۱۳۵۴)^{۳۲/۳۳}

^{۳۲} ماده واحده مذکور به تاریخ شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ در مجلس شورای ملی و در تاریخ پنجم خرداد ماه همان سال توسط مجلس سنای وقت به تصویب رسید که متن آن به شرح ذیل است:

۱ - هرکس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیتدار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک، از اقدام به این امر خودداری نماید به حبس جنجهای تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. در این مورد اگر مرتکب از کسانی باشد که به اقتضای حرفه خود می توانسته کمک مؤثری بنماید به حبس جنجهای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهد شد. مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی که از پذیرفتن شخص آسیب دیده و اقدام به درمان او یا کمکهای اولیه امتناع نمایند به حداکثر مجازات ذکر شده محکوم می شوند.

نحوه تأمین هزینه درمان این قبیل بیماران و سایر مسائل مربوط به موجب آیین نامه ای است که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

یکی از منابع مهم قانونی راجع به موضوع مورد بحث، «ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی» است. به طور کلی، این قانون از یک سو خطاب به عموم جامعه است و از دیگر سو خطاب به افرادی که بر حسب وظیفه و شغل یا حسب قانون به امدادرسانی مشغولند.

آنچه که خطاب به عموم افراد جامعه است و همگان را موظف به یاری رساندن به افراد حادثه دیده نموده است، قسمت اول بند اول است. قانونگذار بند اول این ماده را با عنوان «هرکس» شروع نموده است که دلالت بر عموم دارد، لذا این قسمت از ماده خطاب به همه افرادی است که تکلیف پذیر هستند و در جامعه حضور دارند.

۲ - هرگاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلفند به اشخاص آسیب دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند کمک نمایند از اقدام لازم و کمک به آنها خودداری کنند، به حبس جنجه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

۳ - دولت مکلف است در شهرها و راهها به تناسب احتیاج مراکز درمان فوری (اورژانس) و وسایل انتقال مصدومین و بیماران که احتیاج به کمک فوری دارند ایجاد و فراهم نماید.

۴ - مأمورین انتظامی نباید متعرض کسانی که خود متهم نبوده و اشخاص آسیب دیده را به مراجع انتظامی یا مراکز درمانی می‌رسانند بشوند.

قانون فوق مشتمل بر یک ماده پس از تصویب مجلس شورای ملی در جلسه روز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ در جلسه روز دوشنبه پنجم خرداد ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و چهار شمسی به تصویب مجلس سنا رسید. رئیس مجلس سنا - جعفر شریف امامی

۳۳. آیین نامه اجرایی این قانون نیز در سال ۱۳۶۴ تصویب شده است.

با این حال، در اینجا این پرسش به ذهن می‌رسد که با وجود تخصص در امر امدادرسانی در برخی حوادث آیا باز هم افراد ملزم به رعایت این بند ماده هستند یا نه؟ به عنوان مثال در صحنه تصادفی که مصدوم در میان آهن پاره های خودرو قرار دارد و خارج کردن آن نیاز به تبحر و تخصص خاصی است تا منجر به صدمات شدیدتری همچون قطع نخاع نگردد، چنانچه در اجرای مفاد این ماده خسارات جانی شدیدتری به مصدوم وارد آمد آیا فردی که اقدام به کمک می‌کند مسئولیت مدنی یا کیفری دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد یکی از ابهامات این ماده واحده بی پاسخ گذاشتن همین پرسش باشد.

و اما در رابطه با افراد متخصص در زمینه کمک رسانی، یعنی امدادگران؛ در قسمت پایانی بند اول ماده واحده، قانونگذار مجازات را نسبت به افرادی که به اقتضای حرفه خود می‌توانستند در مخاطرات جانی موثر واقع شوند و از کمک خودداری نموده‌اند، تشدید نموده است. به عبارت دیگر، فردی که واجد این شرایط باشد و از کمک رسانی به مصدوم خودداری نماید به حبس جنجه‌ای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم می‌گردد.

آنچه که حائز اهمیت است آن است که در این قسمت، منظور قانونگذار از افرادی که به اقتضای حرفه خود می‌توانند موثر واقع شوند به وضوح مشخص نگردیده است که آیا منظور قانونگذار از حرفه خود «شغل»

او بوده است یعنی افرادی که شغل آنها امداد رسانی یا کمک به مصدومین است یا نه، اگر چنین است دیگر نیاز به تصویب بند دوم این ماده نبوده است. اما بنظر می رسد منظور قانونگذار در این ماده از افرادی که به اقتضای حرفه خود می توانند کمک موثری نمایند، گروهی است که یا شغل آنها امداد رسانی و کمک به مصدومین است و یا اقتضای شغل آنان یادگیری فنون امداد رسانی است لیکن، در قبال سانحه یا حادثه ایجاد شده وظیفه شغلی ندارند مانند پرستار بیمارستانی که در خیابان مواجه با فردی می شود که به علت تصادف نیاز به کمکهای اولیه دارد.

بند دوم ماده واحده مذکور درخور اهمیت و توجه بیشتری است، زیرا دایره شمول مکلفین را محدودتر نموده و فقط خطاب به افرادی است که حسب وظیفه یا قوانین مکلفند به اشخاص آسیب دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند کمک نمایند، مانند امدادگرانی که در مواقع عادی آموزشهای لازم را دیده و در پایگاه های امدادی مستقر گردیده اند تا به محض وقوع حادثه، اقدام به کمک رسانی و نجات مصدومین نمایند. همچنین افرادی که در قالب تیم سازمان یافته از طرف سازمان امداد رسانی در زمان بلایای طبیعی به محل حادثه اعزام می گردند، این افراد حسب وظیفه مکلف به کمک رسانی بوده و چنانچه از این امر امتناع ورزند به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهند شد.

تشدید مجازات این افراد در صورت خودداری از کمک به مصدومین، به دلیل وظیفه یا شغل قانونی آنهاست، یعنی افرادی که شاغل در چنین اموری هستند. اما اگر فردی که شغل او امداد رسانی بوده و در زمان مرخصی از کمک به دیگری امتناع نماید آیا می توان او را به استناد این بند مجازات نمود؟ به نظر می رسد چنین فردی مشمول قسمت آخر بند اول است.

بنابراین به طور کلی چهار دسته از افراد مشمول مجازات مشدده در ماده واحده گردیده اند:

۱. کسانی که به اقتضای حرفه خود می توانسته اند کمک موثری نمایند. مجازات در نظر گرفته شده بر ای اینان حبس جنحه ای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال تعیین گردیده است. مانند پزشکان و پرستاران؛

۲. مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی. در صورتی که اینان از پذیرفتن شخص آسیب دیده و اقدام به درمان او یا کمکهای اولیه امتناع نمایند، به حداکثر مجازات ذکر شده محکوم می شوند؛

۳. کسانی که حسب وظیفه مکلفند به اشخاص آسیب دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند، کمک نمایند و همچنین

۴. کسانی که حسب قانون مکلفند به اینگونه اشخاص کمک کنند به حبس جنحه ای از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم

خواهند شد مانند پلیس و آتش نشانان.^{۳۴}

۲.۲. قانون ممنوعیت بازداشت کسانی که

مصدومین را به مراکز درمانی منتقل

می نمایند (مصوب ۱۳۸۰/۲/۳)^{۳۵}

یکی از مشکلاتی که پیش از تصویب این قانون وجود داشت این بود که در بسیاری از موارد، کسانی که از روی ترحم و حس کمک به هم نوع افرادی را که دچار صدمه، جرح و یا هر سانحه و حادثه دیگری شده بودند به بیمارستان و مراکز درمانی منتقل می کردند، بی آنکه خود تقصیری در وقوع آن داشته باشند، دستگیر و بازداشت می شدند.

این مساله به نوبه خود موجب می شد تا انگیزه کمک به کسانی که در معرض حادثه ای قرار گرفته بودند به مرور کمرنگ گردد. بنابراین، قانون مورد اشاره از دو جهت حائز اهمیت است:

از یک سو، این قانون گامی مثبت و مفید از سوی قانونگذار جهت تشویق و حمایت قانونی از افرادی است که به هنگام وقوع

^{۳۴}. نک به: غفاری فارسانی، همان، ص ۳۶۷.

^{۳۵}. متن ماده واحده قانون مذکور به شرح ذیل است: «از تاریخ تصویب این قانون نگاهداری و بازداشت کسانی که مصدومین را به مراکز درمانی یا نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و غیره منتقل می نمایند توسط مراجع مذکور ممنوع است مگر اینکه خود فرد یا مصدوم یا افراد دیگری او را مقصر قلمداد نمایند و یا دلایل و قرائن دیگری دلالت بر انتساب اتهام به وی نماید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ سوم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۰.۲.۱۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

حوادث عادی و یا اضطراری اقدام به کمک به افراد دچار حادثه و سانحه می کنند؛

علاوه بر این، این قانون را می توان گامی در جهت رفع نقص از ماده واحده مجازات خودداری ... محسوب کرد زیرا مطابق ماده واحده مذکور به عنوان مثال اگر یک فرد عادی، با فرض اینکه می توانسته اقدام به نجات فرد مصدوم کند، از این امر سرباز زند از یک سو مشمول مجازات ذکر شده در ماده واحده خواهد شد و از سوی دیگر، همانطور که گفته شد، در بسیاری از موارد همین فرد به محض اینکه فرد مصدوم را به بیمارستان یا مراکز درمانی می رساند مورد بازداشت واقع می گردید که از این جهت به نظر می رسد قانون ممنوعیت ... گامی در جهت حمایت از فرد نوع دوست و رفع نقص از ماده واحده پیشین باشد.

۲.۳. قانون نیروی انتظامی جمهوری

اسلامی ایران (مصوب ۲۷ تیر ۱۳۶۹)

در خصوص پلیس و نیروهای انتظامی باید گفته شود که مطابق بند ۱۹ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی، یکی از ماموریت ها و وظایف این نیرو «انجام امور امدادی و مردم یاری در مواقع ضروری ضمن هماهنگی با مراجع ذیربط» ذکر گردیده است.^{۳۶}

۲.۴. قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح

(مصوب ۹/۱۰/۱۳۸۲)

در راستای ضمانت اجرای مقرر فوق الذکر، مطابق ماده ۵۳ قانون مجازات جرائم

^{۳۶}. نک به: مجموعه قوانین و مقررات نیروهای مسلح.

جهانگیر منصور (تدوین)، (تهران: دیدار، ۱۳۸۸).

نیروهای مسلح، چنانچه هر نظامی حین انجام وظیفه «نسبت به مجروحان یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند در حالی که کمک رسانی از وظایف اوست از کمک خودداری کند» به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شود.^{۳۷} همانطور که ملاحظه می شود مجازات در نظر گرفته شده برای مرتکبین به این جرم در این قانون دقیقاً همان مجازاتی است که در بند ۲ ماده واحده ذکر گردیده است و مغایرتی در این زمینه مشاهده نمی شود.

۲.۵. قانون اساسی

علیرغم اینکه در قانون ارتش ج.ا.ا. مصوب ۱۳۶۶/۷/۷، بر خلاف قانون نیروی انتظامی، یاری رسانی و امداد در زمره وظایف این نیرو قلمداد نشده است، اما این خلاء قانونی توسط ماده ۵۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح که پس از آن به تصویب رسید پر شده است. علاوه بر این، اصل ۱۴۷ قانون اساسی نیز پیش از این دولت را موظف کرده بود که «در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید».

با توجه به این اصل، در صورتیکه دولت تصمیم بگیرد تا ارتش را در امور امدادرسانی درگیر کند مطمئناً این امر به فرماندهان عالیرتبه آن نیرو اعلام خواهد

^{۳۷}. جهانگیر منصور، همان.

شد و ایشان نیز دستور اعزام همه یا قسمتی از پرسنل را صادر خواهند نمود و این نیروها نیز ملزم به پیروی از آن دستورات شده و موظفند تا در امر امداد رسانی مشارکت جویند.

به عبارت دیگر، گرچه نیروهای ارتش وظیفه ای در خصوص کمک به دیگری ندارند اما مطابق قانون اساسی به نوعی این وظیفه برای آنها مفروض قلمداد شده است.

نتیجه آنکه، در صورت امتناع ایشان از کمک به آسیب دیدگان و مصدومان، مشمول ماده ۵۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و ماده واحده مذکور گردیده و به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند گردید.

۲.۶. آئین نامه^{۳۸} انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته مصوب ۱۳۷۸/۴/۳۰

یکی از دلایل اهمیت این آیین نامه که توسط هیأت عالی انتظامی سازمان نظام پزشکی تهیه و پس از تایید شورای عالی نظام

^{۳۸}. آیین نامه یا نظامنامه، مقرراتی است که مقامات صلاحیتدار (به جز پارلمان) وضع کنند. هدف آیین نامه تشریح قانون است. این واژه مقابل واژه قانون به معنی اخص آن استعمال شده است. هرگاه آیین نامه مخالف قانون باشد قاضی نباید به آن ترتیب اثر دهد. آیین نامه سه قسم است:

اول- فرامین قوه مجریه در زمان انقلاب و آشوب؛

دوم- مقررات قوه مجریه که قوه مقننه اختیار وضع آن را داده باشد. نیز مقررات شارح قانون که در آن قانون، اذن وضع آن آیین نامه داده شده باشد؛

سوم؛ آیین نامه های اداری که مقامات اداری وضع کنند مانند استانداری ها و فرمانداریها و حکومت نظامی. ←

جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، ۳، (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۶).

پزشکی به تصویب هیأت وزیران رسید، آن است که طیف وسیعی از افرادی را که در حرفه های وابسته به پزشکی مشغولند، شامل می شود. این حرفه ها در ماده ۱ این آیین نامه از این قرارند: فارغ التحصیلان کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر شاغل در رشته های علوم آزمایشگاهی، بیوتکنولوژی، رادیولوژی، بیورادیولوژی، رادیوتراپی، پرستاری، مامایی، اطاق عمل، هوشبری، داروسازی، تغذیه، مبارزه با بیماریها، بهداشت خانواده، بهداشت کار دهان و دندان، فارغ التحصیلان دانشکده بهداشت، رشته های مختلف توانبخشی، فیزیوتراپی، بیوشیمی پزشکی، خدمات اجتماعی و مددکاری و علوم پایه پزشکی، روانپزشکی بالینی، کایروپراکتیک و روان شناسی بالینی و کودکان استثنایی و ژنتیک پزشکی و سایر حرفه های وابسته به امور پزشکی که فعالیت آنان نیاز به اخذ مجوز از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی دارد.

ماده ۲ این آیین نامه مشمولین یاد شده را مکلف می کند که «بدون توجه به ملیت، نژاد، مذهب و موقعیت اجتماعی- سیاسی و اقتصادی بیماران حداکثر تلاش ممکن را در حدود وظایف خود به کار ببرند». نکته لازم به ذکر راجع به این ماده آن است که مطابق آن مشمولین موظف می شوند وظیفه خود را بدون رواداشتن تبعیض به انجام رسانند. این ممنوعیت تبعیض، همانطور که اشاره شد، موضوعی است که در آیات قرآن

کریم، اساسنامه جمعیت و سخنان بزرگان نیز بدان اشاره شده است.

در ماده ۳ آمده است که «شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته باید طبق موازین علمی، شرعی و قانونی و نظامات دولتی صنفی و حرفه ای انجام وظیفه کرده و از هرگونه سهل انگاری در انجام وظایف قانونی بپرهیزند».

همچنین ماده ۱۱ بیان می دارد که «شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته مکلفند در مواقعی که به منظور پیشگیری از بیماریهای واگیری یا در هنگام بروز بحران و سوانح از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا مراجع تعیین شده از طرف وزارت یادشده به آنان اعلام می شود، همکاری ممکن و لازم را معمول دارند».^{۳۹}

۲.۷. قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی ج.۱.۱. مصوب دی ماه ۱۳۷۴^{۴۰}

اهمیت این قانون از دو جهت قابل ذکر است: نخست آنکه، برای جرایم ذکر شده در آئین نامه یاد شده، که البته پس از این قانون و مطابق قسمت پایانی ماده ۲۴ این قانون به تصویب هیأت وزیران رسیده، مجازات هایی را تعیین کرده است که از جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

متخلفین از ماده ۲ آیین نامه فوق الذکر، مطابق ماده ۲۹ آیین نامه حسب مورد به مجازات «تذکر یا توبیخ شفاهی در حضور

^{۳۹}. مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی، محمد رضا

خسروی (تدوین)، (تهران: مجد، ۱۳۸۶)، ص ۵۲۵ به بعد.

^{۴۰}. همان، ص ۵۰۴ به بعد.

هیأت مدیره نظام پزشکی محل» و «اخطار یا توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی محل» و در صورت تکرار به «توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی و نشریه نظام پزشکی محل یا الصاق رأی در تابلو اعلانات نظام پزشکی محل» یا «محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یکسال در محل ارتکاب» که در تبصره ماده ۲۴ قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی مقرر گردیده است، محکوم می گردند.

متخلفین از ماده ۳ نیز به یکی از مجازات های «توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی و نشریه نظام پزشکی محل یا الصاق رأی در تابلو اعلانات نظام پزشکی محل»، «محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یکسال در محل ارتکاب»، «محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یکسال در تمام کشور»، «محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته از بیش از یکسال تا پنج سال در تمام کشور» مقرر در تبصره ماده ۲۴ قانون فوق الذکر محکوم خواهند گردید.

همچنین، متخلفین از ماده ۱۱ آیین نامه به یکی از مجازات های «توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی و نشریه نظام پزشکی محل یا الصاق رأی در تابلو اعلانات نظام پزشکی محل»، «محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یکسال در محل ارتکاب» و «محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته از

سه ماه تا یکسال در تمام کشور»، مقرر در تبصره ماده ۲۴ قانون فوق الذکر محکوم خواهند گردید.

علاوه بر این، مطابق ماده ۲۵ این قانون، مرجع صلاحیتدار برای رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای اعضای سازمان های نظام پزشکی و تعیین مجازات های مناسب برای آنها، هیأت های بدوی انتظامی متشکل از ۹ نفر از جمله یک قاضی با معرفی ریاست قوه قضائیه برای تهران و با معرفی رئیس دادگستری شهرستانها برای شهرستان مربوطه، تعیین شده است.

نکته قابل ذکر و پایانی در خصوص این قانون تناقضی است که بین مجازات در نظر گرفته شده برای متخلفین در بند ۲ ماده واحده یادشده و مجازات های در نظر گرفته شده در ماده ۲۴ این قانون دیده می شود. اما همانطور که دیدیم این تناقض بین قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و بند ۲ ماده واحده مشاهده نمی شود.

۳. مسئولیت ناشی از وانهادن وظایف و تکالیف اخلاقی و قانونی

بدون شک، زمانی می توان انتظار به اجرا درآمدن قواعد و اصول ایجاد شده در یک جامعه انسانی اعم از قواعد و اصول اخلاقی و حقوقی را داشت که برای این اصول و قواعد ضمانت اجرایی نیز تعبیه شده باشد. البته، وجود این ضمانت اجراها نیز منوط به مشخص شدن حدود و ثغور مسئولیت ها و وظایف افراد در جامعه است. از اینرو، در مقابل اکثر قواعد و اصول موجود در یک جامعه، مسئولیت

هایی نیز وجود خواهد داشت و در صورت نقض هر یک از این قواعد توسط هر یک از افراد، فرد ناقض در این خصوص دارای مسئولیت بوده و مسئول شناخته خواهد شد.

البته ناگفته پیداست که نوع مسئولیت، تبعات و آثار مترتب بر نقض هر یک از این قواعد متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال، پیامدها و آثار نقض یک قاعده اخلاقی متفاوت از یک قاعده حقوقی خواهد بود (در صورت احراز مسئولیت حقوقی نیز مسئولیت کیفری متفاوت از مسئولیت مدنی و یا اداری خواهد بود). مسئولیت ناشی از نوع اول مسئولیتی اخلاقی است و طبعاً واکنشی که در مقابل آن انجام می شود، بسته به نوع جامعه ای که فرد در آن زندگی می کند، متفاوت از مسئولیت ناشی از نقض یک قاعده حقوقی که مسئولیتی قانونی و حقوقی است، خواهد بود.

به لحاظ لغوی مسئولیت^{۴۱} مصدر جعلی به معنی مورد سوال واقع شدن و پاسخگویی است و بنا بر آنچه گفته شد، در اصطلاح، اگر پاسخگویی ناشی از نقض قواعد و مقررات حقوقی باشد مسئولیت حقوقی و اگر منجر به نقض قواعد و مقررات اخلاقی باشد مسئولیت اخلاقی نامیده می شود.^{۴۲}

بنابراین، به طور کلی، مسئولیت را به دو نوع اخلاقی و حقوقی تقسیم می کنند که مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری نیز ذیل

همین عنوان کلی مسئولیت حقوقی قرار می گیرند.

در تعریف مسئولیت اخلاقی می توان گفت که «الزامی است که شخص در وجدان خویش در برابر گفتار و اعمال خود دارد و به علت نقض قواعد اخلاقی تحقق می یابد»^{۴۳} هم چنین در خصوص این نوع مسئولیت گفته شده است که «مسئولیت اخلاقی مواخذه وجدان از خطاست ... احساسی درونی است که وجدان به تفحص در اعمال یا حتی افکار شخص می پردازد ... ممکن است کسی از نظر اخلاقی خود را به علت فکری که در خاطر نقش بسته بی آنکه زبانی به دیگری برسد مسئول بداند...»^{۴۴}

مسئولیت حقوقی نیز به هر گونه مسئولیتی اطلاق می گردد که ضمانت اجرای قانونی داشته باشد و معمولاً آن را در مقابل مسئولیت اخلاقی قرار می دهند.^{۴۵}

بنابراین، بر خلاف مسئولیت اخلاقی که ناشی از الزامی درونی است و فرد در مقابل وجدان خویش احساس مسئولیت می کند، منشاء مسئولیت حقوقی بیرونی بوده و فرد نه در مقابل وجدان خویش بلکه در مقابل دیگران و از طریق قوانین موضوعه مسئولیت دارد، «مسئولیت حقوقی متضمن تجلی خارجی فعل یا ترک فعل و خسارتی

^{۴۳}. عباسلو، همان، ص ۱۵.

^{۴۴}. حسینی نژاد، حسینقلی، *مسئولیت مدنی*، ج ۲، (تهران:

جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰)، ص ۱۴، ۱۳.

^{۴۵}. جعفری لنگرودی، همان، ج پنجم، ص ۳۳۲۶.

^{۴۱} Responsibility

^{۴۲}. عباسلو، بختیار، *مسئولیت مدنی ناشی از سوانح رانندگی*،

ج ۲، (تهران: میزان، ۱۳۸۷)، ص ۱۵.

است که از این فعل یا ترک فعل به دیگری رسیده است»^{۴۶}

یکی از انواع مسئولیت حقوقی، مسئولیت کیفری یا جزائی است که به علت ارتکاب فعل یا ترک فعلی که قانون برای آن مجازات تعیین نموده، تحقق می یابد و در اکثر جرائم مجرم دو وظیفه یا الزام بر عهده دارد، تحمل مجازات و جبران زیان وارده، الزام اول تحت عنوان مسئولیت کیفری و جبران زیان تحت عنوان مسئولیت مدنی مطرح می گردد.

مسئولیت مدنی، ناشی از فعل یا ترک فعل زیانبار و نقض تعهد خسارت آور به اشخاص می باشد و بر دو قسم است: مسئولیت قراردادی، که در نتیجه اجرا نکردن تعهدی که از عقد ناشی شده است بوجود می آید. به عبارت دیگر مسئولیت عاقدی است که عقد را اجراء نکند یعنی به تعهد ناشی از عقد عمل ننماید و یا آنرا به درستی صورت ندهد.

مسئولیت قهری یا غیر قراردادی یا خارج از قرارداد نیز وظیفه ای است که قانون در اثر انجام یا خودداری از انجام عملی مستقیماً بر عهده شخص قرار می دهد بدون اینکه مبنای آن با قصد انشاء محقق شده باشد. بنابراین، مسئولیت خارج از قرارداد هرگونه مسئولیت مدنی که ناشی از سوء اجرای قرارداد نباشد آنرا مسئولیت خارج از قرارداد (ضمان قهری) گویند که این قسم

مسئولیت از قوانین آمره (حکم) است و قابل اسقاط نمی باشد.^{۴۷}

به طور کلی، در مسئولیت مدنی زیان ناشی از فعل یا ترک فعل افراد، بر خلاف مسئولیت کیفری که متوجه جامعه می گردد، متوجه اشخاص خصوصی می شود. لذا ارتکاب جرایمی که منجر به مسئولیت مدنی می گردد «جرایم خصوصی»^{۴۸} بوده و موجب جبران و ترمیم خسارت وارده به شاکی می گردد و ارتکاب جرایمی که منجر به مسئولیت کیفری می گردد «جرایم عمومی»^{۴۹} تلقی شده و موجب کیفر مرتکب فعل می شود. البته رابطه ای هم بین این دو نوع مسئولیت وجود دارد و «این رابطه ناشی از این امر است که غالباً عملی واحد می تواند موجب هر دو مسئولیت باشد یعنی مسئولیت مدنی و کیفری. مرتکب جرم، گذشته از کیفر جرم ناگزیر است که خسارت زیاننده را هم بپردازد»^{۵۰}

از اینرو، با توجه به توضیحات ارائه شده، افرادی که در قلمرو اصول و قواعد قانونی و اخلاقی یک جامعه معین زندگی می کنند موظفند تا آنچه را قوانین و اخلاق حاکم بر جامعه به آنها تکلیف می کند انجام دهند و در غیر اینصورت مسئول شناخته می شوند. در خصوص بحث کمک و یاری رسانی به مصدومین یا افراد در معرض خطر به نظر

^{۴۷} نک: جعفری لنگرودی، همان، صص ۳۳۲۸، ۳۳۲۶ و

عباسلو، همان، ص ۱۶.

^{۴۸} Public Crimes.

^{۴۹} Private Crimes.

^{۵۰} حسینی نژاد، همان، ص ۱۵.

^{۴۶} حسینی نژاد، همان، صص ۱۴، ۱۳.

می رسد فرد از دو سو دارای مسئولیت باشد؛

از یک سو، مسئولیت اخلاقی فرد در جامعه است که بستگی به فضای حاکم بر جامعه به عنوان یک امر بیرونی و خود فرد به عنوان یک امر درونی دارد که در چنین موقعیت هایی قرار می گیرد و در صورت عدم اقدام جهت کمک به فرد در معرض خطر ممکن است فرد دچار عذاب وجدان گردد و یا توسط اعضای جامعه ای که در آن بسر می برد مورد سرزنش قرار گیرد.

از سوی دیگر، مسئولیت حقوقی است که بر عهده افراد است. همانطور که در بالا ملاحظه شد در قوانین ایران علاوه بر ماده واحده مذکور، که به طور اختصاصی به این موضوع پرداخته و مخاطب آن هم عموم افراد جامعه و هم افرادی است که کمک به مصدومین جزء وظایف قانونی آنها محسوب می گردد، در لایحی قوانین دیگر نیز به این موضوع پرداخته شده است و افرادی را که کمک و یاری رسانی جزء وظایف کاری و قانونی آنها است، مانند اعضای نیروهای مسلح و پزشکان، مسئول شناخته است.

تحقق مسئولیت در ماده واحده اشاره شده، که به نوبه خود سهم بزرگی را در خصوص بحث کمک به دیگری در نظام حقوقی ایران ایفا می کند، نیازمند احراز برخی از شرایط است تا بتوان فرد را دارای مسئولیت دانست. از جمله شرایطی^{۵۱} که

مطابق این ماده احراز آنها ضروری است، آن است که:

الف) خطر باید متوجه جان فرد باشد. بنابراین احتمال آسیب دیدگی منجر به تحقق مسئولیت نخواهد شد؛ ب) فرد باید بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیتدار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند. به عبارت دیگر توانایی انجام این کار را داشته باشد؛ پ) همچنین باید در نظر داشت که مطابق نص صریح ماده در صورت اقدام فرد به کمک به دیگری نباید خطری متوجه خود او یا دیگران شود؛ ث) حالت اضطراری باشد؛ ج) فرد در معرض خطر از کمک رسان تقاضای کمک کند یا اوضاع و احوال بر ضرورت کمک به وی دلالت کند؛ ت) و در نهایت اگر فرد با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک، از اقدام به این امر خودداری نماید، آنگاه مسئولیت کیفری وی تحقق پیدا کرده و مسئول شناخته خواهد شد.

همانطور که در متن ماده واحده نیز آمده است در صورت احراز شرایط، فردی که از کمک به فرد در معرض خطر سرباز زند، دارای مسئولیت کیفری نیز بوده و مجازات در نظر گرفته شده برای وی طبق ماده واحده حبس جنحه‌ای تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال برای عموم افراد و حبس جنحه‌ای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال برای کسانی که مطابق وظیفه شغلی خود

۵۱. نک: غفاری فارسانی، همان، ص ۲۹۸ به بعد.

موظف به کمک به فرد در معرض خطر جانی بوده اند، می باشد.

علاوه بر مسئولیت کیفری، بعضی نویسندگان، کمک رسان بالقوه، یعنی فردی که، با توجه به در نظر گرفتن شرایطی که در ماده واحده و دیگر قوانین آمده، می توانسته اقدام به کمک کند، را در برخی موارد دارای مسئولیت مدنی نیز دانسته اند.^{۵۲}

لازم است همین جا به برخی از مسائلی که در عمل ممکن است راجع به تکلیفی که در ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی بر عهده افراد گذاشته شده است، اشاره شود.

۴. نکاتی پیرامون ماده واحده

اجرای ماده واحده مذکور در بالا، به عنوان یکی از مهمترین قوانینی که در نظام حقوقی ایران به موضوع کمک به دیگری پرداخته است، بدون در نظر گرفتن برخی ملاحظات و شرایط امکان پذیر نیست. در ذیل به به برخی از آنها اشاره می گردد.

یکی از مسائلی که، در عمل، ممکن است پیش آید این است که آیا افراد عادی که اطلاع چندانی درخصوص نحوه کمک رسانی ندارند و گاهی با اعمال غیر اصولی

خویش باعث تشدید صدمات می گردند را نیز می توان مسئول خسارتهای وارده دانست یا خیر؟ حال آنکه امروزه با پیشرفت جوامع، امدادگری تقریباً به یک فن، مهارت و تخصص بدل گردیده و برای این امر باید آموزشهای لازم به افراد داده شود تا میزان این خسارتهای کاهش یابد.

اگر بخواهیم با توجه به ماده واحده مذکور پاسخی به این سوال بدهیم، می توان گفت با توجه به قید «بتواند» در ماده واحده، در صورتی فرد مکلف به کمک است و در غیر اینصورت دارای مسئولیت که این کار از عهده وی برآید و با «اقدام فوری» خود بتواند به مصدوم کمک کند و از آنجا که داشتن تخصص نیز یکی از مولفه هایی است که می توان آنرا در چارچوب قید توانستن گنجانده، لذا، در صورتیکه فردی از تخصص لازم جهت کمک به دیگری برخوردار نباشد و همچنین نتواند با «کمک طلبیدن از دیگران» به فرد در معرض خطر کمک کند به نظر می رسد بتوان در صورت وجود این شرایط وی را از مسئولیت بری نمود.

مساله دیگری که در اینجا حائز اهمیت است این است که اگر به تشخیص فرد امدادگر جهت حفظ جان مصدوم و برای نجات وی نیاز به ایراد خسارتهای مالی باشد و این خسارات وارد گردد آیا مصدوم می تواند تقاضای مطالبه خسارات وارد آمده را بنماید. به عنوان مثال اگر در سانحه تصادف مصدوم به حالت بی هوش در بین آهن آلات خودرو قرار گرفته باشد و

^{۵۲}. آقای «غفاری فارسانی»، که پیش از این در این نوشتار در مواردی به اثر ایشان ارجاع داده شده است، به طور مفصل به بحث مسئولیت مدنی ناشی از ترک نجات جان دیگری و در مواردی مسئولیت ناشی از خودداری از کمک به افراد در معرض آسیب ها و صدمات غیرجانی پرداخته است. این موضوع، علاوه بر نظام حقوقی ایران، در قوانین، نظام ها و مکاتب حقوقی دیگر نیز مورد بحث و بررسی مقایسه ای قرار گرفته است. نک به: غفاری فارسانی، همان.

امدادگران جهت حفظ جان وی اقدام به تخریب اجزای خودروی وی نمایند آیا فرد مصدوم می تواند ادعایی از امدادگران داشته باشد و تقاضای جبران خسارت بنماید؟

در پاسخ به این سوال باید گفت ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی که بیان می دارد «هرکس عمداً اشیاء منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد» با در نظر گرفتن مواردی که در ذیل ذکر می گردد، شامل افراد امدادگر و یا کمک رسان نمی شود.

اولاً، با در نظر گرفتن اینکه نجات جان یک انسان و خسارت جانی وارده بر فرد نسبت به خسارات مادی که ممکن است بر وی وارد گردد، به لحاظ عقلی و عرفی، در اولویت قرار می گیرد، می توان گفت چنانچه امدادگران به منظور نجات جان مصدوم اقدام به تخریب اموال وی از قبیل خودرو در مثال مذکور بنمایند هر چند عمل ایشان از روی عمد انجام شده است، با اینحال نمی توان ایشان را مسئول دانست؛

ثانیاً، ماده ۵۵ ق.م.ا بیان می دارد «هر کس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش سوزی، سیل، و طوفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد». این ماده بیانگر

حالت اضطرار می باشد و در صورت رعایت شرایطی که در این ماده ذکر گردیده است، از جمله ضرورت ایراد خسارت مادی، تناسب عمل ارتكابی با خطر موجود و عدم دخالت مرتکب در خطر، فردی که اقدام به کمک در چنین موقعیت هایی می کند از مسئولیت بری است.

بر طبق قاعده اضطرار، که در باب مسئولیت کیفری مورد تایید نظام های حقوقی گوناگون قرار گرفته و همواره مورد توجه بوده است، هر کس به حکم ضرورت عمداً مرتکب عمل مجرمانه ای شود قابل مجازات و سرزنش نیست. این حالت معمولاً بر اثر خطری شدید ایجاد می شود که برای جان یا حق فرد پیش می آید و تنها از طریق ارتکاب جرم قابل احراز است. در نظام حقوقی اسلام قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» یا «رفع ما اضطرار» جرم اضطراری را توجیه می کند.^{۵۳}

مساله دیگر آن است که آیا فردی که بواسطه حس انسان دوستی و امدادسانی در زمان حادثه، اقدام به فراگیری فنون امدادگری می نماید تا در زمان وقوع حوادث از وی در این زمینه استفاده شود، مشمول بند اول ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین می گردد یا مشمول بند دوم؟ به عنوان نمونه، فردی با مراجعه به سازمانهای امدادسانی، همچون هلال احمر، در تمام آموزشهای امدادی شرکت نموده و نام خود را در بین افراد

^{۵۳}. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، بخش جزایی، ج ۹.

(تهران؛ مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۷)، ۱۲۳.

متخصص این فن ثبت نموده و آمادگی خود را جهت امداد رسانی در زمان حوادث اعلام می نماید، آیا می توان این فرد را مشمول بند دوم قانون مذکور، یعنی از جمله کسانی که حسب قانون یا وظیفه مکلف به کمک به مصدومین هستند، بدانیم و چنانچه در انجام این امر کوتاهی نماید یا خودداری نماید مشمول کدام مجازات خواهد بود؟

در پاسخ به پرسش مذکور باید گفت هر چند جمعیت هلال احمر، به عنوان «موسسه ای خیریه، غیر انتفاعی و دارای شخصیت حقوقی مستقل»^{۵۴}، بنا بر ماده ۳ اساسنامه خود، که وظایف جمعیت هلال احمر را در ۸ بند تبیین کرده است، موظف به ارائه خدمات امدادی و کمک های اولیه در حوادث و سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه بوسیله امدادگران گردیده است^{۵۵} و می توان آنرا از اهم وظایف جمعیت هلال احمر عنوان کرد اما می توان گفت ذکر کلمه امدادگران در انتهای بند دوم ماده ۳ اساسنامه مذکور، مبین این است که قانونگذار خواسته است تا امداد رسانی توسط افراد امدادگر انجام شود. از اینرو، به نوعی به خدمت امدادگران رسمیت داده و آنان را جزء موظفین به امر امداد رسانی قلمداد کرده است. قانونگذار این رسمیت را

در ماده شش^{۵۶} اساسنامه مذکور نیز عنوان داشته است. لذا، با استناد به مفاد مذکور صرفاً می توان امدادگران رسمی و حقوق بگیر عضو جمعیت هلال احمر را، از این حیث، حسب قانون، موظف به امداد رسانی و کمک به مصدومین در زمان حادثه دانست و در نتیجه در صورت امتناع ایشان از این کار مشمول بند دوم ماده واحده خواهند گردید.

البته این امر بدان معنا نیست که امدادگران افتخاری یا داوطلب از مسئولیت بری بوده و هیچ گونه مسئولیتی متوجه ایشان نگردد. زیرا، هر چند ایشان مطابق بند ۲ موظف به کمک رسانی نیستند، اما، مطابق بند اول همان ماده واحده که عموم افراد را موظف به کمک می کند اینان نیز موظف به کمک می گردند و به طور قطع مسئولیت ایشان نسبت به عموم افراد روشن تر است، زیرا، از آموزش هایی در این زمینه برخوردار شده و از تخصص کافی بهره مند گردیده اند. از اینرو، مسئولیت کیفری ایشان، در صورت احراز دیگر شرایط، مبرز است، هر چند مسئولیتی سبک تر از دیگر امدادگرانی که در دسته اول قرار می گیرند، برعهده دارند و مطابق ماده واحده حداقل مجازات برای این دسته از افراد در نظر گرفته شده است.

۵. برخی از چالشهای پیش رو

^{۵۴}. ماده ۶: «هرکس از زن و مرد و کوچک و بزرگ بدون ملاحظات سیاسی، مذهبی، نژادی و با رعایت این اساسنامه و مطابق آیین نامه عضویت جمعیت، می تواند عضو جمعیت گردد.»

^{۵۴}. ماده ۱ اساسنامه جمعیت.

^{۵۵}. مطابق بند ۱ ماده ۳ اساسنامه جمعیت هلال احمر «ارائه خدمات امدادی در هنگام بروز حوادث و سوانح طبیعی مثل زلزله و سیل و غیره در داخل و خارج کشور» و بر طبق بند ۲ ماده ۳: «ارائه کمکهای اولیه در حوادث غیرمترقبه بوسیله امدادگران» از وظایف جمعیت ذکر شده است.

با توجه به مطالب گفته شده در خصوص مبانی و قوانینی که در خصوص کمک به دیگری یا امدادگری وجود دارد و با اذعان به اینکه قوانین موجود و خصوصاً ماده واحد اشاره شده تا حدودی توانسته است خلاء قانونی را در این زمینه جبران کند، با اینحال، چالش ها و نقص هایی در این زمینه وجود دارد که در ذیل سعی خواهد شد تا به برخی از آنها اشاره گردد:

۱. تعارض بین قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و آیین نامه راهنمایی و رانندگی در باب تصادفات با اصول اولیه امدادگری؛

۲. با وجود تصریح ماده ۶۷۷ ق.م.ا. مبنی بر مجازات افرادی که اقدام به تخریب اموال دیگری می نمایند برخی مواقع در عمل لازم است تا جهت کمک به مصدومین و کسانی که در معرض خطرات جانی و مالی قرار دارند تخریب صورت گیرد. این امر نیاز به تصریح بیشتر از طریق مفاد قانونی دارد؛

۳. ابهام در خصوص مسئولیت افرادی که به صورت داوطلب یا افتخاری در حوادث و سوانح اقدام به امر امداد رسانی می نمایند. این امر می تواند در قانون پیشنهادی در مورد اخیر گنجانده شود.

۴. مشخص نبودن مسئولیت حفظ جان و سلامت امدادگران در حین عملیات امداد رسانی و لزوم حمایت

دولت از این افراد، خصوصاً در رابطه با افرادی که به صورت داوطلبانه و افتخاری اقدام به این امر می کنند؛

۵. عدم وجود مفاد قانونی خاص راجع به سوء استفاده های احتمالی امدادگران در زمان حوادث و سوانح. به نظر می رسد وضع قوانینی که به طور اختصاصی به موضوع سوء استفاده هایی که بعضاً در زمان حوادث و سوانح از سوی برخی از افراد انجام می شود، ضروری می باشد؛

۶. مشکلات پس از امداد رسانی برای افراد امدادگر مانند اتهامات وارده به افرادی که مصدومین را به مراکز درمانی منتقل می نمایند، که علی رغم وجود عنصر قانونی در این رابطه، اجرای این امر در حال حاضر به خوبی صورت نمی گیرد؛

۷. همه موارد اشاره شده در بالا را می توان در عدم وجود قانونی منسجم و مناسب در خصوص امر کمک و امداد رسانی، که به زوایای گوناگون آن از جمله تبعات و آثار حقوقی، مسئولیت ها و ... پرداخته شده باشد، خلاصه نمود. به نظر می رسد قانونگذار در قوانین موجود تنها به بیان کلیات امر اکتفا نموده است؛

۸. نهایت آنکه، اکثر قوانین فعلی به جای حمایت از عملکرد امدادگران

در مواردی علیه آنان است، به طوریکه، در صورت آگاهی افراد از این مقررات حس نوع دوستی و کمک به دیگران در افراد کاهش پیدا خواهد کرد. این در حالی است که تلاش برای وضع قوانین مناسبی که حاوی راهکارهای قانونی جهت رفع نواقص و خلاء های موجود باشد، می تواند منجر به نهادینه شدن فرهنگ کمک رسانی و تشویق و حمایت همگانی از امدادگری و امدادگران خواهد شد.

نتیجه گیری

مقوله کمک و امداد رسانی به دیگری، حداقل در کشور ایران، نه صرفاً از جنس مقولات اخلاقی است که از ضمانت اجرای کمتری برخوردارند و واکنش نسبت به نقض آنها بسته به اخلاقیات و فرهنگ عمومی حاکم بر هر جامعه ای متفاوت خواهد بود، نه می توان آنرا صرفاً در زمره مقولات حقوقی و قانونی گنجانند و بر این نظر بود که از هیچ پشتوانه اخلاقی، عقلانی و فلسفی برخوردار نیست. البته، این بدان معنا نیست که مقولات و موضوعاتی که در قوانین گنجانده می شوند از پایه های اخلاقی و فلسفی برخوردار نیستند، زیرا با نگاهی به روند تدوین و تصویب قوانین، در بسیاری از کشورها، به این نتیجه خواهیم رسید که بسیاری از قوانین وضع شده توسط نهادهای تقنینی، پیش از تصویب، ریشه در مواردی از جمله عرف، اخلاق و نظریات فلسفی داشته اند. تجربه به ما

نشان می دهد که آنچه به صورت قانون درآمده است اگر به لحاظ اخلاقی و فلسفی از سوی جامعه مورد پذیرش قرار نگرفته باشد، از دوام چندانی برخوردار نخواهد بود و دیری نخواهد پایید که به فراموشی سپرده شود. از همین روست که گفته می شود؛ قوانین تصویب شده باید ناشی از «وجدان جمعی» باشد.

درست تر آن است که بگوییم مقوله کمک به دیگری، همانطور که در بحث مبانی نشان داده شد^{۵۷}، از پشتوانه های اخلاقی و عقلانی برخوردار است و همین امر موجب شده است تا قانونگذار، در مقام ارزیابی کننده نیازها و علایق موجود در جامعه، در صدد برآمده تا به این مقوله صورت قانونی داده و جهت استحکام بیشتر آن، از ضمانت اجرای قانونی نیز برخوردار گرداند، هر چند ممکن است این تشخیص قانون گذار و به تصویب رساندن آن تمامی جوانب قضیه را در بر نگرفته باشد. این نقص از طریق همان وجدان جمعی در جریان^{۵۸}، قابل جبران خواهد بود.

از آنجا که کمک کنندگان به غیر با قصد انجام کار نیکو و احساس وظیفه اخلاقی به یاری آسیب دیدگان می شتابند و کار خود

^{۵۷}. نگارنده مدعی نیست که توانسته است به اثبات وجود

تمامی این مبانی دست یازد ولی به نظر می رسد این مبانی تاحدودی نشان داده شده است.

^{۵۸}. می گوییم «وجدان جمعی در جریان» زیرا وجدان جمعی مقوله ای ثابت نیست و ممکن است آنچه در یک جامعه و در یک نقطه زمانی خاص ارزش محسوب می شود زمانی دیگر ضد ارزش محسوب گردد و یا در خوشبینانه ترین حالت از ارزش کمتری برخوردار باشد.

را رایگان انجام می دهند، لذا تعهدشان جنبه اخلاقی داشته و تعهد به نتیجه نیست و ممکن است نتوانند به طور کامل از آسیب یا ضرر جلوگیری کنند و حتی ممکن است در جریان امدادرسانی زیانهای مالی و جانبی نیز به آسیب دیدگان برسد. از اینرو در صورت ارائه راهکارهایی که بتواند ضمن رفع این مشکل، افراد را به انجام چنین کارهای نیکویی تشویق کرده و از دلسردی و بی تفاوتی آنان جلوگیری نماید، علاوه بر برطرف کردن نواقص موجود، منجر به تعمیق و نهادینه کردن «فرهنگ کمک و یاری رسانی به دیگری» خواهد گردید.^{۵۹}

بنابراین مطابق قاعده احسان، هرگاه کسی به قصد احسان کاری را انجام دهد که در واقع زیانبار است، مسئول جبران زیانها نیست. علاوه بر این، به نظر می رسد عرف و اخلاق حاکم بر جامعه نیز زیانهای ناشی از کار امدادگری را به امدادگر نسبت نمی دهد. با وجود این هرگاه کسی اصول الزام

آور امداد و نجات را به عمد یا از روی اشتباه رعایت نکند و سبب ورود زیان گردد نیکوکار محسوب نمی شود و در برابر زیان دیده مسئول است، زیرا نقض عمدی و یا غیر عمدی الزامات قانونی و عرفی نه تنها احسان نیست بلکه تقصیر است. از اینرو، چنین به نظر می رسد که لزوم ورود دوباره قانونگذار به مبحث امدادرسانی و تبعات ذکر شده آن ضروری است.

در همین راستا، بیمه مسئولیت حرفه ای امدادگران داوطلب یا افتخاری و عموم افرادی که اقدام به کمک می کنند و به نظر می رسد نسبت به کسانی که دارای وظیفه قانونی و حرفه ای هستند بیشتر در معرض بی مهری و بی توجهی باشند، مفید و ضروری است.

^{۵۹}. در این خصوص روایت نقل شده از حضرت امام رضا (ع) مبین این امر است. نقل است که از وی در مورد مردی سوال شد که جماعتی از وی کمک خواسته بودند تا آنها را از شر مهاجمین نجات دهد. مرد شبانه و مسلح به کمک ایشان رفت. در طول مسیر به طور اتفاقی و به غیر عمد به مردی که سر چاهی ایستاده بود خورد و مرد به چاه افتاد. او معطل نشد و به کمک جماعت شتافت تا نجاتشان دهد. وقتی برگشت مطلع شد مصدومی که در چاه افتاده بود کشته شده است مرد نیز تصدیق کرد. از حضرت درباره دیه مقتول سوال شد و ایشان فرمودند که دیه بر عهده جماعتی است که از این مرد کمک خواسته اند و وی به کمک ایشان شتافته است. ولی، اگر در ازای دریافت اجرت به دنبال این کار رفته بود، دیه برعهده این مرد و بستگانش بود. **اصول کافی**، ج ۷، ص ۳۶۹.

اسلامی، (تهران: مرکز نشر علوم

اسلامی، ۱۳۸۳).

۱۳. Encyclopedia of Britannica, version 2008

۱۴. قانون اساسی.

۱۵. قانون مجازات اسلامی.

۱۶. قانون استخدام کشوری.

۱۷. اساسنامه جمعیت هلال احمر

جمهوری اسلامی ایران.

۱۸. ماده واحده قانون مجازات خودداری

از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات

جانی (مصوب ۱۳۵۴/۳/۵).

۱۹. قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی

ج.ا. (مصوب دی ماه ۱۳۷۴).

۲۰. آئین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات

صنفی و حرفه ای شاغلان حرفه های

پزشکی و وابسته (مصوب

۱۳۷۸/۴/۳۰).

۲۱. قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح

(مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹)

۲۲. قانون نیروی انتظامی جمهوری

اسلامی ایران (مصوب ۲۷ تیر ۱۳۶۹).

۲۳. قانون ممنوعیت بازداشت کسانی که

مصدومین را به مراکز درمانی منتقل

می نمایند (مصوب ۸۰/۲/۳).

پنج مورد اخیر در منابع ذیل قابل

دسترسی می باشد:

مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی،

محمد رضا خسروی (تدوین)، (تهران: مجد،

۱۳۸۶).

مجموعه قوانین و مقررات نیروهای مسلح،

جهانگیر منصور (تدوین)، (تهران: دیدار،

۱۳۸۸).

منابع

منابع پس از قرآن کریم از این قرارند:

۱. آموزگار، حبیب الله، فرهنگ آموزگار،

(تهران: کانون معرفت، ۱۳۳۳).

۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا،

موسسه دهخدا، نسخه کامپیوتری.

۳. اصول کافی، جلد ۷.

۴. غفاری فارسانی، بهنام، مسئولیت

مدنی ناشی از ترک نجات جان

دیگری، (تهران: میزان، ۱۳۸۷).

۵. قربان نیا، ناصر، اخلاق و حقوق بین

الملل، (تهران: سمت، پژوهشگاه

فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸).

۶. فلسفی، محمد تقی، جوان از نظر عقل

و احساسات، (تهران: هیئت نشر

معارف اسلامی، ۱۳۴۸).

۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر،

مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱،

چ ۳، (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۶).

۸. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی

ایران، ج ۱، (تهران: دانشگاه تهران،

۱۳۸۷).

۹. حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت

مدنی، چ ۲، (تهران: جهاد دانشگاهی

دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰).

۱۰. عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی

ناشی از حوادث رانندگی، چ ۲، (تهران:

میزان، ۱۳۸۷).

۱۱. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه،

بخش جزایی، چ ۹، (تهران: مرکز نشر

علوم اسلامی، ۱۳۸۷).

۱۲. محقق داماد، مصطفی، حقوق

بشر دوستانه بین المللی: رهیافت